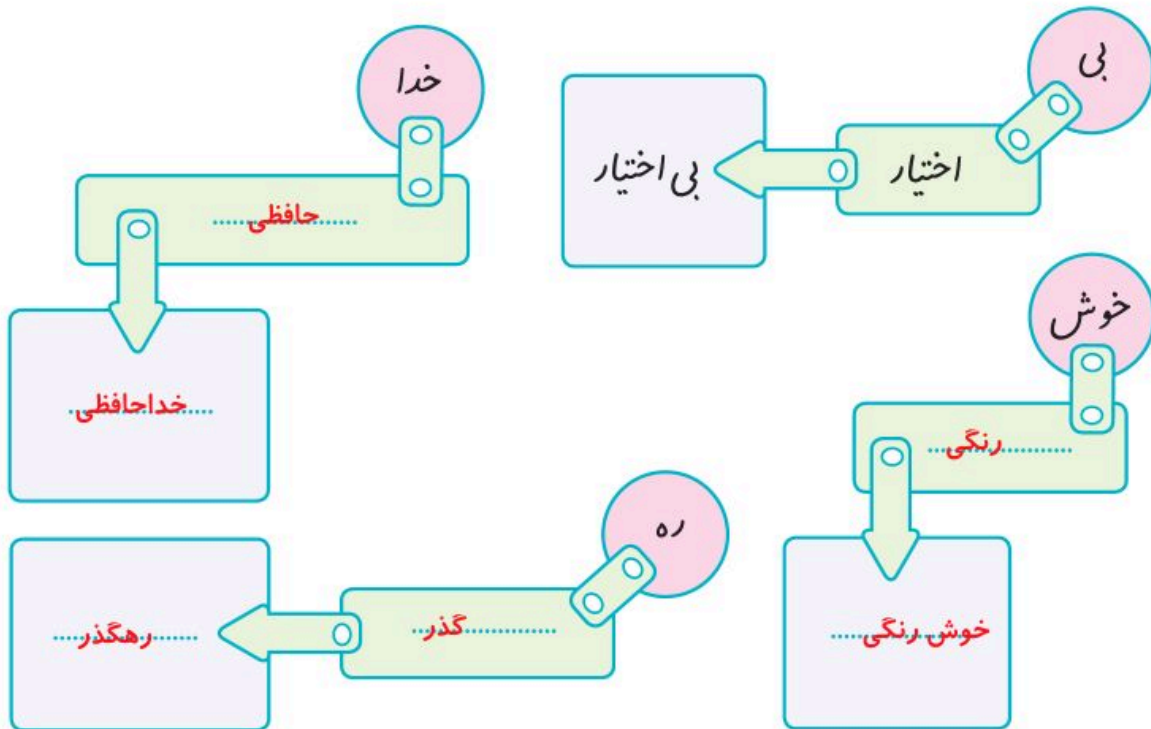




املا و واژه آموزی

مانند نمونه، با توجه به متن درس، واژه‌ها را کامل کنید:



۲ ده واژه را که از نظر شما ارزش املائی دارند، از متن درس انتخاب کرده و بنویسید.

قاب فروشی	انتظار	داستان های شاهنامه	چهار گوش	مخصوصا
صاحب الزمان	صندلی	خوش نویس	دکان	پیغام

۳ معنی هر واژه را بنویسید و هر یک را در جمله‌ای به کار ببرید.

«روان نویس» یعنی:	وسيله اى كه با ان راحت و روان مى نویسند
جمله: من گاهی روان نویس پدرم را قرض می گیرم	
«نامه نویس» یعنی:	کسى كه نامه مى نویسد
جمله: به نظرم بیشتر نویسندگان، یک نامه نویس ماهر هستند	



الف) جمله‌های زیر را با دقت بخوانید و به ترتیب درست، شماره گذاری کنید.

- ۶ صاحب مغازه پرسید: «نردبان چه؟» طوطی‌ها عاشق نردبان هستند.
- ۱۰ به محض اینکه تاب بخورد، حرف زدنش تحسین همه را برمی‌انگیزد.
- ۱۵ صاحب مغازه با تعجب گفت: «واقعاً متأسفم، حتی یک کلمه هم حرف نزد؟»
- ۱ فردی یک طوطی خرید؛ اما روز بعد، آن را به مغازه برگرداند.
- ۴ فرد یک آینه خرید و رفت.
- ۱۶ فرد پاسخ داد: «چرا، درست قبل از مردنش با صدای ضعیفی پرسید: مگر در آن مغازه غذایی برای طوطی‌ها نمی‌فروختند؟»
- ۱۲ وقتی روز چهارم خریدار وارد مغازه شد،
- ۲ به صاحب مغازه گفت: «این پرنده صحبت نمی‌کند».
- ۱۳ چهره‌اش کاملاً تغییر کرده بود.
- ۳ صاحب مغازه پرسید: «آیا در قفسش آینه‌ای هست؟ طوطی‌ها عاشق آینه‌اند».
- ۷ فرد یک نردبان خرید و رفت.
- ۱۴ او گفت: «طوطی مرد!»
- ۱۱ فرد با بی‌میلی یک تاب خرید و رفت.
- ۹ صاحب مغازه برای سومین بار پرسید: «آیا طوطی شما در قفسش تاب دارد؟ نه؟ خوب مشکل همین است».
- ۵ او روز بعد بازگشت و گفت: «طوطی هنوز صحبت نمی‌کند».
- ۸ اما روز سوم باز هم آن فرد آمد.

ب) پس از مرتب کردن جمله‌ها به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱) دلیل مرگ طوطی چه بود؟

گرسنگی

۲) طوطی چه کارهایی می‌تواند انجام دهد؟

تاب بازی کند، از نردبان بالا برود، صحبت کند

نگارش

یکی از متن‌های ناتمام زیر را انتخاب کنید و نوشته را ادامه دهید.

۱) با خود گفتم: اگر دست باد، گیسوی درختان را شانۀ بزند و آنها را پریشان کند، آن گاه ...

۲) با قامتی بلند و کشیده، سوار بر اسب از جاده‌ی خاکی میان درختان می‌گذشت ...

۳) روزی دست در دست عصای پدر بزرگ گذاشتم و با آن مسیری را پیمودم، اول حس کردم

عصا در دستم جا نمی‌گیرد ولی کم‌کم او دست مرا گرفت و ...

۴) من داشتم راهم را می‌رفتم که ناگهان برگ‌ی از درخت بر سرم افتاد. اول نفهمیدم که برگ

است، فقط حس کردم چیزی به سرم برخورد کرد، دستی بر سرم کشیدم و ...

۵) چند سالی بود که او را می‌شناختم و می‌دانستم دوست قابل اعتمادی است؛ اما نمی‌دانستم چه

شد که به چنین کاری دست زد. حالا من مانده بودم که چگونه این مسئله را ...

۶) از راهی می‌گذشتم، صدایی توجه مرا جلب کرد. ایستادم. بعد از چند ثانیه سکوت، به طرف صدا

رفتم. به چاهی برخوردم. صدای زوزه‌ی سگ از درون چاه می‌آمد. نگاهی به اطراف انداختم

و ...

موضوع : باد بهاری

با خود گفتم: اگر دست باد گیسوی درختان را شانه بزند و آن ها را پریشان کند، آن گاه کدام پرنده

می تواند لانه ای بسازد و آوازی بخواند؟ اصلاً پروانه ها چه می شوند؟ مگر گلی باقی می ماند وقتی گیسوی

درختان پریشان است.....

داشتم با خودم حرف می زدم که بادی وزید اما نه طوری که گیسوی درختی پریشان شود و گلی

پرپر نسیمی بود اهسته که درختان را شاداب کرد و گل ها را خندان

توجه:

🍎 نخست، متن انتخاب شده را به دقت بخوانید.

🍌 درباره ی آن فکر کنید تا در فضای نوشته، قرار بگیرید.

🍉 با بهره گیری از تخیل، متن را کامل کنید.

🍌 از نشانه های نگارشی، هر جا که لازم شد، استفاده کنید.

🍉 نام مناسبی برای آن انتخاب کنید.

🍌 نوشته را پاک نویس کنید.